

ارسال: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

10.22034/nf.2026.532512.1421

چگونگی رفع التقای واکه‌ها در فعل‌های دعا و نفرین در فارسی معیار و گویش‌های دزفولی و شوشتری

بشیر جم* (دانشیار زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران)

چکیده: ساخت‌های دعایی جمله‌هایی هستند که برای ستایش، طلب شادی و آرامش، تدرستی، آرزوی طول‌عمر و غلبه بر دشمنان کاربرد دارند. ولی ساخت‌های نفرینی غالباً شامل درخواست آسیب و بلا برای دشمنان و بدخواهان و شکوه‌های نفرین‌گونه می‌باشند. این ساخت‌ها حتی برای بیان شگفتی و طنز نیز به کار می‌روند. این جمله‌ها از یک فعل دعایی شامل بن مضارع+پسوندها /a/ (الف دعایی)+شناسه سوم‌شخص مفرد /-ad/ تشکیل شده‌اند. البته، طبق یافته این پژوهش در گویش‌های دزفولی و شوشتری به جای شناسه که در واقع ضمیر فاعلی است، ضمیر مفعولی به کار می‌رود. هدف مقاله پیش رو مشخص کردن چگونگی رخداد التقای واکه‌ها و چگونگی رفع آن در فعل‌های دعا و نفرین است. طبق یافته‌های این پژوهش که در چارچوب نظریه بهینگی (Prince & Smolensky 1993/2004) انجام شده است، التقای واکه‌ها در این فعل‌ها با بهره‌گیری از دو راهکار حذف واکه و درج همخوان میانجی برطرف می‌شود. رفع التقای واکه‌ها تنها فرایند واجی‌ای است که در ساخت فعل‌های دعا و نفرین رخ می‌دهد. در این پژوهش، محدودیت‌هایی که در قالب رتبه‌بندی‌های مختلف عامل رفع التقای واکه‌ها بوده‌اند معرفی شده‌اند نتایج این پژوهش واقعیت‌هایی را پیرامون فرایندها و راهکارهای رایج در برطرف کردن التقای واکه‌ها در فعل‌های دعا و نفرین بیان می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فعل‌های دعا و نفرین، التقای واکه‌ها، درج همخوان میانجی، حذف واکه، گویش دزفولی، گویش شوشتری.

۱. مقدمه

دعا و نفرین از بن‌مایه‌های دینی، فرهنگی، اسطوره‌ای و ادبی است که از دیرباز تاکنون در زبان فارسی رواج داشته است. در این میان، ساخت‌های دعایی جمله‌هایی عاطفی هستند که بیشتر برای ستایش، طلب شادی و آرامش، تندرستی، آرزوی طول‌عمر و غلبه بر دشمنان کاربرد دارند و ساخت‌های نفرینی نیز غالباً شامل درخواست آسیب و بلا برای دشمنان و بدخواهان و شکوه‌های نفرین‌گونه می‌باشند. این جمله‌ها از يك فعل دعایی شامل تکواژهای زیر تشکیل شده‌اند: بن مضارع+پسوندها /a/ (الف دعایی)+شناسه سوم شخص مفرد /-ad/، مانند نمونه‌های زیر از ادب پارسی:^۱

دهاد: پی آبادیش به جان کوشید، که خدایش جزای خیر دهداد (هاتف اصفهانی)

مبیناد: چو ماهوی باد آنکه بر جان شاه نبخشد هرگز مبیناد گاه (فردوسی)

مماناد: که رستم منم کم مماناد نام نشیناد بر ماتمم پور سام (فردوسی)

شواد: چون دیده پای به سرم تشنه کسی ست دل خون شواد و از بن هر مو چکیده باد (غالب دهلوی)

بواد/باد: دشمنانت اسیر گرم و حزن فرخت باد و فر خجسته بواد

فعل دعایی «باد» با افزودن واکه /a/ به انتهای آن به صورت «بادا» نیز تلفظ می‌شود.

مریزاد: دست و تیغ تو مریزاد، که از پرتو او شد چراغان جگر خاک ز خونین کفتان (صائب تبریزی)

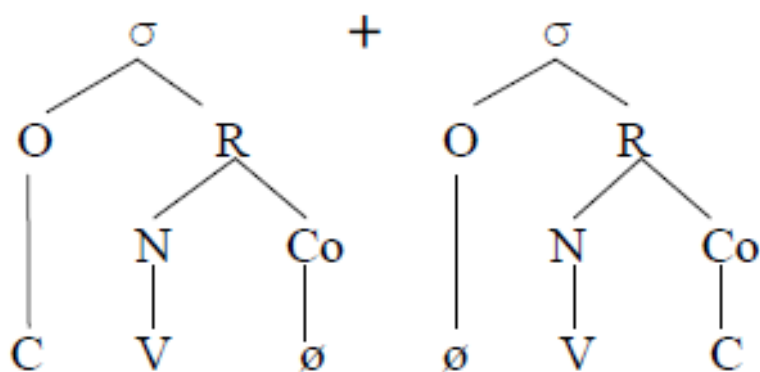
البته، جمله دعایی «دست مریزاد» در فارسی گفتاری نوین به معنی «آفرین» کاربرد فراوانی دارد؛ هرگاه کسی کاری شایسته انجام دهد به او می‌گویند: «دست مریزاد!». مریزاد از مصدر «ریختن» است. دست مریزاد یعنی دستت نریزد. منظور این است که دست تو دچار بیماری نشود به گونه‌ای که با گرفتار شدن به بیماری دچار لرزش شوی و چیزها از دستت بریزد (بیفتد).

بر اساس قریب و دیگران (۱۳۶۶، ص ۱۱۴) صورت منفی این ساخت‌ها با حرف میم است، مانند «مباد» و «مبیناد». پس، اگر حرف نون نفی به کار برود نادرست است، مانند «نباد» و «نبیناد».

(۱) در فارسی معاصر برای بیان مفهوم دعا و نفرین از ساخت فعل التزامی استفاده می‌شود، مثل: «الهی بیارد!»، «خدا کند بیاید!».

آنها می‌افزایند که در برخی فعل‌ها ساخت دعایی در هشت صیغه صرف می‌شود، مانند مباد، مبادم، مبادت، مبادی، مبادش، مبادمان، مبادتان، مبادشان و نیز باد، بادم، بادت، بادی... تا آخر. ولی، امروزه، جز صیغه مفرد غایب (باد، مباد، کناد، مکناد و غیره) متداول نیست. گفتنی است که این ساخت‌های نفرینی در گونه گفتاری فارسی معیار کاربردی ندارند. فعل‌های دعایی نیز کاربرد چندانی در زبان روزمره ندارند، به استثنای «باد(ا)» در «هرچه بادا، بادا!» و ترانه «بادا بادا مبارک بادا»، «مریزاد» در «دست مریزاد» و «مبادا» در ساخت اضافی «روزِ مبادا» و در جمله‌های هشدار، مانند «مبادا دیر کنی!».

رفع التقای واکه‌ها از رهگذر حذف واکه و درج همخوان میانجی تنها فرایند واجی‌ای است که در ساخت فعل‌های دعا و نفرین رخ می‌دهد. بر اساس جم (۱۳۹۴ الف) التقای واکه‌ها وضعیتی است که هیچ همخوانی میان واکه‌ها یا، به بیانی فنی‌تر، میان هسته‌های دو هجای مجاور وجود نداشته باشد. این وضعیت هنگامی روی می‌دهد که از دو هجای مجاور، هجای سمت چپ فاقد پایانه و هجای سمت راست فاقد آغاز باشد. این وضعیت در ساخت هجایی CV.VC در بازنمایی (۱) نشان داده شده است:



بازنمایی ۱ التقای واکه‌ها

در این پژوهش تحلیلی، چگونگی رفع التقای واکه‌ها در فعل‌های دعایی از رهگذر حذف واکه شناسه و/یا درج همخوان میانجی مورد تحلیل قرار گرفته است. دلیل اصلی برطرف شدن التقای واکه‌ها لزوم آغازدار بودن هجا در زبان فارسی است. هدف مقاله پیش‌رو مشخص کردن چگونگی رخداد التقای واکه‌ها و چگونگی رفع آن در فعل‌های دعا و نفرین است.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش، به ترتیب، به پژوهش‌هایی که پیرامون آرزو و نفرین و سپس مسئله التقای واکه‌ها در زبان‌های مختلف به‌ویژه زبان فارسی انجام شده پرداخته شده است. جست‌وجوی نگارنده پژوهش پیش‌رو نشان داد که هیچ بررسی واج‌شناختی‌ای پیرامون ساخت‌های دعا و نفرین انجام نشده است. بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه کلاً رویکردی دینی، دستوری و ادبی داشته‌اند، مانند الکبیری (۱۴۲۳)^۱ که به بررسی لعن و نفرین در قرآن و تأثیر آن بر احکام شرعی پرداخته است. بهابادی و پنبه‌پز (۱۳۹۳) نیز عوامل سلام و لعن در قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده‌اند.

دهرامی و فهیمی‌پور (۱۳۹۶) وجوه مختلف آفرین و نفرین در آثار دوران پیش از اسلام ایران (باستان و میانه) را بررسی کرده‌اند. ایشان بیان می‌دارند که از گذشته‌های دور انسان در برخورد با موانع و مشکلاتی که قادر به رفع آنها نبوده، از نیرویی فراطبیعی استمداد می‌جسته است. روحانی و دیگران (۱۴۰۰) به مقایسه موضوع، واژه‌ها و ساخت دعاها و نفرین‌ها در شاهنامه پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مضمون دعا‌های شاهنامه بیشتر طلب شادی و آرامش، غلبه بر دشمنان، آرزوی طول عمر و بهشت است و نفرین‌ها نیز شامل درخواست نابودی دشمنان، نفرین کائناتی و شکوه‌های نفرین‌گونه‌اند. نفرین واقعی که همان درخواست نابودی دشمنان است، در موقعیت خشم و عصبانیت و عموماً در صحنه نبرد بروز پیدا می‌کند، ولی نفرین کائناتی و شکوه‌های نفرین‌گونه در موقعیت غم و اندوه بروز و ظهور دارند.

نخستین اثری که به التقای واکه‌ها در زبان فارسی پرداخت صادق (۱۳۶۵) بود که شیوه‌گزینش همخوان میانجی را بررسی کرد. بر پایه یافته‌های این پژوهش، شرایط آوایی، صرفی-آوایی و ملاحظات تاریخی تعیین‌کننده‌گزینش نوع همخوان میانجی هستند. اما، شاخص‌ترین اثر در این

(۱) تاریخ هجری قمری است.

زمینه کاسالی^۱ (1996) است. او نشان داده که التقای واکه‌ها در زبان‌های گوناگون با بهره‌گیری از پنج راهکار زیر برطرف می‌شود: درج همخوان میانجی، حذف یکی از واکه‌ها، ادغام^۲ دو واکه، تشکیل غلت (غلت‌شدگی واکه) و سرانجام دوواکه‌شدگی یا تشکیل واکه مرکب^۳. جم (۱۳۹۴) شرایط و امکان رخداد هر پنج راهکار را در زبان فارسی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که در فارسی تنها سه راهکار درج همخوان میانجی، حذف یکی از واکه‌ها و ادغام دو واکه کاربرد دارد. قطره و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی ۱۵۰۰ داده از گونه گفتاری زبان فارسی نیز به این نتیجه رسیده‌اند که در گفتار سریع و پیوسته امکان عدم رفع التقای واکه‌ها وجود دارد. جم (۱۴۰۲) به چگونگی رفع التقای واکه‌های کشیده با واکه تکواژ جمع /-ən/ به اسم‌های مختوم به واکه /u:/ توسط غلت [w] و در اسم‌های مختوم به واکه‌های /i:/ و /a:/ توسط غلت [j] برطرف می‌شود.

پژوهش‌های دیگری نیز پیرامون التقای واکه‌ها در سایر زبان‌های ایران انجام شده که از این میان می‌توان به فتاحی (۱۳۹۳)، صادقی و صادقی (۱۳۹۶)، احمدی و دیگران (۱۳۹۸) و رضی‌نژاد (۱۳۹۸) اشاره کرد که به ترتیب به کردی کلهری، کردی سورانی، کردی میانی و ترکی آذربایجانی پرداخته‌اند.^۴

۳. روش پژوهش

برای انجام این پژوهش، ساخت‌های نفرین و دعا به لحاظ چگونگی رفع التقای واکه‌ها در آنها و/یا درج همخوان میانجی دسته‌بندی شدند. در مرحله بعد، بافت‌هایی که هریک از این فرایندها در آنها رخ داده بررسی شد تا آشکار شود براساس نظریه بهینگی (Prince & Smolensky, 1993/2004) چه محدودیت یا محدودیت‌هایی و با چه رتبه‌ای عامل رخداد این فرایندها هستند. بر این پایه، برای هر گروه از داده‌ها تحلیلی متناسب با آنها ارائه شده است. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

1) Casali

2) coalescence

3) diphthong formation

۴) چون این پژوهش‌ها پیرامون زبان فارسی نبوده‌اند، فقط به آنها اشاره شده است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش رفع التقای واکه‌ها در فعل‌های دعا و نفرین در دو بخش فارسی معیار و گویش‌های دزفولی و شوشتری مورد تحلیل قرار گرفته است.

۴.۱. رفع التقای واکه‌ها در فعل‌های دعا و نفرین در فارسی معیار

چگونگی رخداد التقای واکه‌ها در بازنمایی واجی و رفع آن در بازنمایی آوایی در فعل‌های دعا و نفرینِ مریزاد، مبیناد، مماناد، دهاد، شواد و بواد در (۲) نشان داده شده است:

بازنمایی آوایی	(۲)	بازنمایی واجی
[marizad]	مریزاد	/ma+riz+a+ad/ →
[mamanad]	مماناد	/ma+man+a+ad/ →
[mabinad]	مبیناد	/ma+bin+a+ad/ →
[dehad]	دهاد	/de+a+ad/ →
[ʃowad]	شُواد	/ʃo+a+ad/ →
[bowad]	بود	/bo+a+ad/ →

همان‌گونه که در فعل‌های دعا و نفرین (۲) آشکار است، در بازنمایی واجی میان /a/ (پسوند دعا و نفرین) و واکه /a/ی شناسهٔ سوم شخص مفرد التقای واکه‌ها رخ داده که از رهگذر حذف واکه /a/ی شناسه برطرف شده است. البته، در بازنمایی واجی «دهاد»، «شواد» و «بود» پسوند /a-/ از سمت چپ با واکهٔ بن مضارع نیز دچار التقای واکه‌ها شده که از رهگذر درج همخوان میانجی برطرف شده است.

التقای واکه‌ها در زبان فارسی مجاز نیست و باید برطرف شود. از دیدگاه نظریهٔ بهینگی، دلیل مجاز نبودن التقای واکه‌ها در برخی زبان‌ها، ازجمله زبان فارسی، این است که محدودیت نشان‌داری ONSET که ایجاب می‌کند هجا آغاز داشته باشد عامل رفع التقای واکه‌ها است. یکی از راه‌های رفع این پدیده، حذف یکی از واکه‌ها است. همان‌گونه که در بازنمایی آوایی [ma.ri.zad] آشکار است، این محدودیت نشان‌داری از رهگذر حذف واکه /a/ی شناسهٔ سوم شخص مفرد ارضا شده است.

پس، به يك محدودیت پایایی نیاز است تا مانع حذف پسوند /-a/ بشود. بر اساس مك‌کارتی و پرینس (1995) محدودیت پایایی MAX-affix وظیفه حفظ وندها را بر عهده دارد.^۱ این محدودیت باید بر محدودیت کلی ضد حذف MAX تسلط داشته باشد. رتبه‌بندی (۳) رفع التقای واکه‌ها از رهگذر حذف واکه /a/ شناسه سوم‌شخص مفرد و حفظ پسوند /-a/ را تبیین می‌کند:

(3) ONSET >> MAX-affix >> MAX

از آنجا که رخداد فرایند رفع التقای واکه‌ها در فعل‌های دعا و نفرین مریزاد، مماناد و مبیناد یکسان است، فعل مریزاد به‌نماینده‌گی از آنها در تابلو ۱ مورد تحلیل قرار گرفته است:

تابلو ۱ رفع التقای واکه‌ها در فعل دعایی «مریزاد»

Input: /ma+riz+a+ad/	ONSET	MAX-affix	MAX
a. [ma.ri.zad]			*
b. [ma.ri.zad]		*!	*
c. [ma.riz.ad]	*!		*
d. [ma.riz.ad]	*!	*	*
e. [ma.riz.a.ad]	*!*		

همان‌گونه که در تابلو ۱ آشکار است، گزینه (e) به دلیل داشتن دو هجای بی‌آغاز، محدودیت نشان‌داری ONSET را دو بار نقض کرده و دو ستاره جریمه دریافت کرده است. هریک از دو گزینه (c) و (d) نیز به دلیل داشتن يك هجای بی‌آغاز این محدودیت نشان‌داری را نقض کرده‌اند. سرانجام، گزینه (b) به علت حذف وند /a/ محدودیت پایایی MAX-affix را نقض کرده است. بنابراین، گزینه (a) که این محدودیت را رعایت کرده به‌عنوان گزینه بهینه برگزیده شده است. طبق آنچه پیشتر بیان شد، در بازنمایی واجی «دهاد»، «شواد» و «بود» پسوند /-a/ از سمت چپ با واکه بن مضارع نیز دچار التقای واکه‌ها شده که از رهگذر درج همخوان میانجی برطرف شده است. برای تحلیل این درج، محدودیت پایایی DEP که ضد درج هر گونه آوایی در برون‌داد است، به رتبه‌بندی اولیه افزوده شده است.

(4) ONSET >> MAX-affix >> MAX >> DEP

(۱) شناسه‌ها تنها در ساختار فعل‌ها به کار می‌روند و شخص و شمار آنها را نشان می‌دهند. اما، وندها در ساختار اسم‌ها، صفت‌ها و قیدها نیز به کار می‌روند. وندها، درواقع، به ساخت واژه‌ها اعم از فعل، اسم، صفت و قید کمک می‌کنند. اما، شناسه‌ها برای صرف فعل‌ها به کار می‌روند.

رخداد دو مورد فرایند رفع التقای واکه‌ها در فعل دعایی «دهاد» در تابلو ۲ مورد تحلیل قرار گرفته است:

تابلو ۲ رفع التقای دوسویه واکه‌ها در فعل دعایی «دهاد»

Input: /de+a+ad/	ONSET	MAX-affix	MAX	DEP
a. [de.had]			*	*
b. [de.had]		*!	*	*
c. [de.ad]	*!		*	
d. [de.ad]	*!	*	*	
e. [de.a.ad]	*!*			

همان‌گونه که در تابلو ۲ آشکار است، گزینه پایای (e) به دلیل التقای دوسویه واکه /a/ با واکه بن مضارع (واکه /e/) در سمت چپ و واکه /a/ در سمت راست، محدودیت نشان‌داری ONSET را دو بار نقض کرده و دو ستاره جریمه دریافت کرده است. هریک از دو گزینه (c) و (d) نیز به دلیل التقای واکه‌ها این محدودیت نشان‌داری را نقض کرده‌اند. سرانجام، گزینه (b) به علت حذف پسوند /-a/ محدودیت پایایی MAX-affix را نقض کرده است. بنابراین، گزینه (a) که این محدودیت را رعایت کرده به عنوان گزینه بهینه برگزیده شده است.

در ادامه، رخداد فرایند رفع التقای واکه‌ها در فعل دعایی «بود» در تابلو ۳ مورد تحلیل قرار گرفته است:

تابلو ۳ رفع التقای دوسویه واکه‌ها در فعل دعایی «بود»

Input: /bo+a+ad/	ONSET	MAX-affix	MAX	DEP
a. [bo.wad]			*	*
b. [bo.wad]		*!	*	*
c. [bo.ad]	*!		*	
d. [bo.ad]	*!	*	*	
e. [bo.a.ad]	*!*			

همان‌گونه که در تابلو ۳ آشکار است، گزینه پایای (e) به دلیل التقای دوسویه واکه /a/ با واکه بن مضارع (واکه /o/) در سمت چپ و واکه /a/ در سمت راست، محدودیت نشان‌داری ONSET را دو بار نقض کرده و دو ستاره جریمه دریافت کرده است. هریک از دو گزینه (c) و (d) نیز به دلیل

التقای واکه‌ها این محدودیت نشان‌داری را نقض کرده‌اند. سرانجام، گزینه (b) به‌عزت حذف پسوند /a/ محدودیت پایایی MAX-affix را نقض کرده است. بنابراین، گزینه (a) که این محدودیت را رعایت کرده به‌عنوان گزینه بهینه برگزیده شده است.

چالش‌انگیزترین بخش این پژوهش چگونگی اشتقاق فعل دعایی «باد» است. این فعل تنها موردی است که در آن جزئی از بن مضارع (واکه /o/) حذف شده است. فرضیه ابتدایی این است که التقای دوسویه واکه /a/ با واکه بن مضارع (واکه /o/) در سمت چپ و واکه /a/ در سمت راست از رهگذر حذف هم‌زمان دو واکه /o/ و /a/ برطرف شده است. به‌سخنی روشن‌تر، درون‌داد «بواد» و «باد» مشترک یعنی /bo+a+ad/ است؛ «بواد» نتیجه رفع التقای واکه بن مضارع با واکه /a/ از رهگذر درج همخوان میانجی [w]، و «باد» نتیجه رفع التقای این دو واکه از رهگذر حذف واکه /o/ است:

(۵) فرضیه ابتدایی

/bo+a+ad/	→	[bowad]	بواد
/bo+a+ad/	→	[bad]	باد

ولی، وجود صورت فعل «بواد» که در آن واکه بن مضارع همچون سایر فعل‌های دعا و نفرین حفظ شده، نشان می‌دهد که اول «بواد» ساخته شده و سپس صورت «باد» از «بواد» اشتقاق یافته است. دلیل دیگر این است که التقای واکه بن مضارع با واکه /a/ در «بواد» همچون دو فعل دعایی «دهاد» و «شواد» از رهگذر درج همخوان میانجی (نه از رهگذر حذف واکه بن مضارع) برطرف شده است. درنتیجه، فرضیه ابتدایی که /bo+a+ad/ درون‌داد مشترک «بواد» و «باد» است رد می‌شود.

همان‌گونه که در تابلو ۳ تحلیل شد، فعل دعایی «بواد» با درج همخوان میانجی [w] به‌صورت [bowad] تلفظ می‌شود. اینک، پرسش دیگری پیش می‌آید: درون‌داد فعل دعایی کوتاه‌شده [bad] چیست؟ همین [bowad]ی که همخوان میانجی [w] در آن درج شده یا /boad/ی که فاقد همخوان میانجی [w] است؟ به سخنی دیگر، آیا همخوان میانجی [w] در درون‌داد فعل دعایی [bad] وجود دارد یا نه؟ دو حالت این پرسش در قالب دو فرضیه اشتقاقی (۶) و (۷) نشان داده شده‌اند:

(۶) فرضیه نخست: اشتقاق [bad] از /bowad/

درون‌داد bowad
رخداد التقای واکه‌ها به‌علت حذف همخوان میانجی [w]
رفع التقای واکه‌ها از رهگذر حذف واکه /o/
برون‌داد [bad]

(۷) فرضیه دوم: اشتقاق [bad] از /bo.ad/

درون‌داد bo.ad
رفع التقای واکه‌ها از رهگذر حذف واکه /o/
برون‌داد [bad]

بررسی فرضیه‌ها: طبق فرضیه نخست، [bowad] یک‌باره با حذف دو واج [ow] به [bad] تبدیل نشده است، بلکه ابتدا همخوان میانجی [w] که پیشتر در تبدیل /bo+a+ad/ به [bowad] درج شده بود حذف می‌شود. این حذف مجدداً موجب رخداد التقای دو واکه /o/ و /a/ می‌شود. سپس با حذف واکه /o/ التقای واکه‌ها برطرف می‌شود. ولی، طبق فرضیه دوم، [bad] نتیجه رفع التقای واکه‌ها از رهگذر حذف واکه /o/ است. همخوان [w] جزو واج‌های زبان فارسی نیست. بلکه یک همخوان میانجی است که در اکثر موارد به‌صورت خفیف و گاه به شکل بسیار خفیف تلفظ می‌شود (صادقی ۱۳۶۵؛ جم ۱۳۹۴ ب). درواقع، این همخوان میانجی آوایی است که در همان لحظه تلفظ واژه برای رفع التقای واکه‌ها ادا می‌شود. این به آن معناست که این همخوان خفیف اصلاً در درون‌داد واژه و پیش از تلفظ فیزیکی آن واژه وجود ندارد که بخواهد حذف شود. بنابراین، فرضیه نخست قابل‌پذیرش نیست و فرضیه دوم تأیید می‌شود.

تابلو ۴ رفع التقای واکه‌ها در فعل دعایی «باد»

Input: /bo.ad/	ONSET	MAX-affix	MAX
a. [bad]			*
b. [bod]		*!	*
c. [bo.ad]	*!		

همان‌گونه که در تابلو ۴ آشکار است، گزینه (c) به دلیل التقای واکه‌ها محدودیت نشان‌داری ONSET را نقض کرده است. سپس، گزینه (b) به‌علت حذف وند /a/ محدودیت پایایی MAX-affix

را نقض کرده است. بنابراین، گزینه (a) که این محدودیت پایایی را رعایت کرده به‌عنوان گزینه بهینه برگزیده شده است.

۲.۴. ساخت نفرین در گویش‌های فارسی دزفولی و شوشتری

دزفولی و شوشتری دو گویش زبان فارسی هستند که تفاوت‌های اندکی با یکدیگر دارند (وزیری ۱۳۶۴). این دو گویش در ساختار و تلفظ ساخت‌های نفرین یکسان‌اند. اگرچه فعل‌های نفرینی در گونه گفتاری معیار کاربردی ندارند، در گفتار عامیانه دو گویش دزفولی و شوشتری بسامد بالایی دارند. سه ساخت نفرینی زیر در گفتار عامیانه این دو گویش رایج است:

- عزیه گرات/ عزیه گِراش/ عزیه گِراتون/ عزیه گِراشون.

- گِل گرات/ گِل گِراش/ گِل گِراتون/ گِل گِراشون.

- مار گرات.

واژه عزیه [ʔazje]، که نویسه <ع> آن همچون عربی به‌صورت حلقی [ʔ] تلفظ می‌شود،^۱ همان واژه «عزا» است. نیز بن مضارع «گیر» همان بن مضارع «گیر» است که در دزفولی و شوشتری با کسره تلفظ می‌شود. پس، جمله نفرینی «عزیه گرات» یعنی «تو را عزا بگیرد» (= دچار عزا شوی). به‌همین ترتیب، جمله‌های نفرینی «عزیه گِراش»، «عزیه گِراتون» و «عزیه گِراشون» به‌ترتیب به‌معنی تحت‌اللفظی «او را عزا بگیرد»، «شما را عزا بگیرد» و «ایشان را عزا بگیرد» می‌باشد. گفتنی است که مردم دزفول و شوشتر این عبارت‌ها را با بسامد بسیار بالا به‌عنوان تکیه‌کلام در هنگام انتقاد، گلایه، شگفتی و حتی به‌صورت طنزآمیز به کار می‌برند و معنی تحت‌اللفظی این عبارت‌ها غالباً مد نظر این مردمان که به مهربانی و خون‌گرمی مشهورند، نیست. البته، برای کاهش شدت، گوینده هنگام سخن گفتن با مخاطب یا پیرامون شخص دیگری (سوم‌شخص مفرد) غالباً صورت منفی این ساخت‌ها را، که همچون فارسی معیار پیشوند /ma- به آن می‌چسبد، به کار می‌برد؛ بر این پایه، معنی جمله «عزیه مگرات/ش» (= تو/ او را عزا نگیرد) چیزی در مایه‌های «خدا بگم چه کارت/ش کنه» در فارسی گفتاری معیار است. شایان ذکر است که از

(۱) به‌دلیل تأثیرپذیری از زبان عربی در خوزستان، دو نویسه <ع> و <ح> در گویش‌های دزفولی و شوشتری همچون عربی به‌صورت حلقی تلفظ می‌شوند.

این میان جمله «عزیه گِراش» و صورت منفی آن «عزیه مِگِراش» پرکاربردترین تکیه‌کلام مردم دزفول و شوشتر است. برای نمونه، جمله «عزیه گِراش، هوا چقده گرمه» معادل «لامصب هوا چه قدر گرمه» در فارسی گفتاری معیار می‌باشد.

بن مضارع «گِر» با واژه «گِل» نیز باهمایی دارد و جمله نفَرینی «گِل گِرات» یعنی «تو را گِل بگیرد» (= زیر گِل بروی) و نیز جمله نفَرینی «مار گِزات» یعنی «تو را مار بگزد» دیگر ساخت‌های نفَرینی در دزفولی و شوشتری هستند.

اما، همان‌گونه که در توضیح و معنای این نمونه‌ها بیان شد، تفاوت مهم فعل‌های نفَرینی دزفولی و شوشتری با فعل‌های نفَرینی فارسی معیار این است که در این دو گویش به‌جای شناسه، که در واقع ضمیر پیوسته فاعلی می‌باشد، ضمیر پیوسته مفعولی به کار می‌رود: بن مضارع + پسوند /-a/ (الف دعا و نفَرین) + ضمیر پیوسته مفعولی. بازنمایی واجی و آوایی برخی از این فعل‌های نفَرینی در (۸) مشخص شده‌اند:

(۸)	بازنمایی آوایی	بازنمایی واجی
گِرات	[jerat]	/jer+a+at/ →
گِراش	[jeraʃ]	/jer+a+aʃ/ →
گِراتون	[jeratun]	/jer+a+etan/ →
گِراشون	[jeraʃun]	/jer+a+eʃan/ →
گِزات	[jazat]	/jaz+a+at/ →

در تابلو ۵ فرایند رفع التقای واکه‌ها در فعل نفَرینی «گِراش» به‌نماینده‌گی از این فعل‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است.

تابلو ۵ رفع التقای واکه‌ها در فعل دعایی «گِراش»

Input: /je.ra.aʃ/	ONSET	MAX-affix	MAX
a. [je.raʃ]			*
b. [je.raʃ]		*!	*
c. [je.ra.aʃ]	*!		

همان‌گونه که در تابلو ۵ آشکار است، گزینه (c) به‌دلیل التقای واکه‌ها محدودیت نشان‌داری ONSET را نقض کرده است. سپس، گزینه (b) به‌علت حذف وند /a/ محدودیت پایایی MAX-affix

را نقض کرده است. بنابراین، گزینه (a) که این محدودیت پایایی را رعایت کرده به‌عنوان گزینه بهینه برگزیده شده است.

۵. نتیجه‌گیری

ساخت‌های دعایی جمله‌هایی هستند که برای ستایش، طلب شادی و آرامش، تندرستی، آرزوی طول‌عمر و غلبه بر دشمنان کاربرد دارند. ولی، ساخت‌های نفرینی غالباً شامل درخواست آسیب و بلا برای دشمنان و بدخواهان، شکوه‌های نفرین‌گونه می‌باشند و حتی برای بیان شگفتی و طنز نیز به کار می‌روند. این جمله‌ها در فارسی معیار از يك فعل دعایی شامل بن مضارع + پسوند /a- (الف دعایی) + شناسه سوم‌شخص مفرد /ad- تشکیل شده‌اند.

در بازنمایی واجی فعل‌های دعا و نفرین میان /a/ (پسوند دعا و نفرین) و واکه /a/ شناسه سوم‌شخص مفرد التقای واکه‌ها رخ داده که از رهگذر حذف واکه /a/ شناسه برطرف می‌شود. البته، در بازنمایی واجی «دهاد»، «شواد» و «بود» که بن مضارع مختوم به واکه است، پسوند /a- از سمت چپ با واکه بن مضارع نیز دچار التقای واکه‌ها شده که از رهگذر درج همخوان میانجی برطرف می‌شود.

چالش‌انگیزترین بخش این پژوهش چگونگی اشتقاق فعل دعایی «باد» بود که در آن جزئی از بن مضارع (واکه /o/) حذف می‌شد. وجود صورت فعل «بود» که در آن واکه بن مضارع همچون سایر فعل‌های دعا و نفرین حفظ شده، نشان داد که اول «بود» ساخته شده و سپس صورت «باد» از «بود» اشتقاق یافته است. دلیل دیگر این است که التقای واکه بن مضارع با واکه /a/ در «بود» همچون دو فعل دعایی «دهاد» و «شواد» از رهگذر درج همخوان میانجی (نه از رهگذر حذف واکه بن مضارع) برطرف شده است.

همچنین، استدلال شد که بازنمایی /boad/ که فاقد همخوان میانجی [w] است، درون‌داد فعل دعایی [bad] است. زیرا همخوان [w] جزو واج‌های زبان فارسی نیست. بلکه يك همخوان میانجی است که به‌صورت خفیف در همان لحظه تلفظ واژه برای رفع التقای واکه‌ها ادا می‌شود. این به آن معنا است که این همخوان میانجی اصلاً در درون‌داد واژه و پیش از تلفظ فیزیکی آن واژه وجود ندارد که بخواهد حذف شود.

تفاوت مهم فعل‌های نفرینی دزفولی و شوشتری با فعل‌های نفرینی فارسی معیار این است که در این دو گویش به‌جای شناسه که درواقع ضمیر پیوسته فاعلی می‌باشد ضمیر پیوسته مفعولی به کار می‌رود. نیز اگرچه فعل‌های نفرینی در گونه گفتاری معیار کاربردی ندارند، در گفتار عامیانه دو گویش دزفولی و شوشتری بسامد بالایی دارند و معمولاً به‌عنوان تکیه کلام در هنگام انتقاد، گلایه، شگفتی و حتی به‌صورت طنزآمیز به کار می‌روند. برای کاهش شدت، گوینده هنگام سخن گفتن با مخاطب یا پیرامون شخص دیگری (سوم‌شخص مفرد) غالباً صورت منفی این فعل‌های نفرینی را، که همچون فارسی معیار پیشوند /ma- به آن می‌چسبد، به کار می‌برد. جمله «عزیه گِراش» و صورت منفی آن «عزیه مِگِراش» پرکاربردترین تکیه کلام مردم دزفول و شوشتر است.

منابع

- احمدی، مهران، محمدصدیق زاهدی و وحید غلامی (۱۳۹۸)، «التقای واکه‌ها و رفع آن در کردی میانی»، مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دوره ۷، ش ۳ (پیاپی ۲۶)، ص ۱-۱۵.
- بهبادی، بیبی‌سادات رضی و زهرا پنبه‌ز (۱۳۹۳)، «عوامل سلام و لعن در قرآن کریم»، فصل‌نامه تحقیقات علوم قرآن (حدیث دانشگاه الزهراء)، سال یازدهم، ش ۴ (پیاپی ۲۴)، ص ۵۳-۸۱.
- جم، بشیر (۱۳۹۴ الف)، فرهنگ توصیفی فرایندهای واجی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ (۱۳۹۴ ب)، «راهکارهای برطرف کردن التقای واکه‌ها در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، سال هفتم، ش ۱ (پیاپی ۱۲)، بهار و تابستان، ص ۷۹-۱۰۰.
- _____ (۱۴۰۲)، «چگونگی رفع التقای واکه‌های کشیده با واکه تکواژ جمع در زبان فارسی»، فصل‌نامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دوره ۱۱، ش ۲ (پیاپی ۴۱)، تابستان، ص ۱-۱۶.
- دهرامی، مهدی و مجتبی فهمی‌پور (۱۳۹۶)، «آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه»، مطالعات ایرانی (دانشگاه شهید باهنر کرمان)، سال شانزدهم، ش ۳۱، بهار و تابستان، ص ۶۵-۷۹.
- رضی‌نژاد، سید محمد (۱۳۹۸)، «برطرف کردن التقای واکه‌ها در ترکی آذربایجانی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، دوره ۱۱، ش ۱، ص ۶۱-۷۲.
- روحانی، زهرا، حسینعلی قبادی و سعید بزرگ بیگدلی (۱۴۰۰)، «تحلیل مقایسه‌ای موضوع، واژه‌ها و نحو دعاها و نفرین‌های شاهنامه (مطالعه موردی داستان‌های رستم و اسفندیار و کاموس کشانی)»، نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۱۴، شماره ۱۰ (پیاپی ۶۸)، ص ۱۱۷-۱۳۱.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۶۵)، «التقای مصوت‌ها و مسئله صامت‌های میانجی در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، سال سوم، شماره ۲ [ش ۶]، ص ۲۲-۳.

صادقی، وحید و سولماز صادقی (۱۳۹۶)، «التقای واکه‌ها در کردی سورانی»، پژوهش‌های زبانی، دوره ۸، ش ۱، ص ۱۱۷-۱۳۶.

فتاحی، مهدی (۱۳۹۳)، «غلت‌سازی واکه به‌عنوان راهکاری برای رفع التقای واکه‌ها بررسی نمونه در کردی کلهری»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، دوره ۴، ش ۷، ص ۲۶۳-۲۷۵.

قریب، عبدالعظیم؛ بهار، محمدتقی؛ فروزانفر، بدیع‌الزمان، همایی، جلال؛ یاسمی، رشید (۱۳۶۶)، دستور زبان فارسی پنج استاد، تهران، اشرفی.

قطره، فریبا، مارال آسیایی و سعید راه‌انداز (۱۳۹۹)، «نگاهی صرفی-آوایی به التقای واکه‌ای در فارسی گفتاری»، زبان‌پژوهی، دوره ۱۲، ش ۳۵ (پیاپی ۱۵)، ص ۲۹۷-۳۱۸.

الکبسی، عمر شاکر (۱۴۲۳ق)، نصوص اللعن فی القرآن و اثرها فی الاحکام الشرعیه، بیروت، مؤسسه الریان.

وزیری، عبدالله (۱۳۶۴)، فارسی شوشتری، اهواز، وزیری.

Casali, R. F. (1996), *Resolving Hiatus*. Doctoral dissertation, UCLA.

McCarthy, J. & A. Prince (1995), "Faithfulness and Reduplicative Identity", J. Beckman, L. Walsh Dickey & S. Urbanczyk (eds.), *University of Massachusetts Occasional Papers in Linguistics 18: Optimality Theory*, pp. 249-384, Amherst: GLSA.

Prince, A., & P. Smolensky (1993/2004), *Optimality Theory: Constraint in Generative Grammar*, MIT Press.

References

Sources are in Persian unless otherwise specified.

- Ahmadi, Mehran, M.S. Zahedi, & V. Gholami (2019), "Hiatus of Vowels and Resolving Them in Central Kurdish", *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, Vol. 7, No. 3 (S/N 26), pp. 1-15.
- Bahabadi, Bibi-Sadat Razi & Z. Panbehpaaz (2014), "The Causes of Salutation and Cursing in the Holy Quran", *Journal of Researches of Qur'an and Hadith Sciences*, Vol. 11, No. 4 (S/N 14), pp. 53-81.
- Dehrami, Mehdi & M. Fahimipour (2017), "Blessing and Imprecation in Ancient Iranian and Middle Persian Works", *Journal of Iranian Studies* (Shahid Bahonar University of Kerman), Vol. 16, No. 31, pp. 65-79.
- Fattahi, Mehdi (2014), "Glide Formation as a Strategy for Hiatus Resolution: A Case Analysis in Kalhori Kurdish", *Iranian Journal of Comparative Linguistic Researches*, Vol. 4, No. 7, pp. 263-275.
- Gharib, Abdol'azim et al. (1987), *Persian Grammar* (Panj Ostad), Tehran, Ashrafi.

- Ghatreh, Fariba, M. Asiaei, & S. Rahandaz (2020), "A Morphophonetic Approach to Hiatus in Spoken Persian Language", *Journal of Language Research*, Vol. 12, No. 35 (S/N 15), pp. 297-318.
- Jam, Bashir (2015a), *A Descriptive Dictionary of Phonological Processes*, Tehran, Iran University Press.
- _____ (2015b), "Hiatus Resolution Strategies in Persian", *Journal of Linguistics & Khorasan Dialects*, Vol. 7, No. 1 (S/N 12), pp. 79-100.
- _____ (2023), "Resolving the Hiatus between a Sequence of Long Vowels and the Plural Morpheme Vowel in Persian", *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, Vol. 11, No. 2 (S/N 41), pp. 1-16.
- Al-Kubaisi, Omar Shaker (2003), *The Qur'anic Texts of Curse and Their Impact on Legal Rulings*, Beirut, Al-Rayyan. [in Arabic]
- Razinejad, Mohammad (2019), "Vowel Hiatus Resolution in Azarbaijani Turkish", *Journal of Researches in Linguistics*, Vol. 11, No. 1, pp. 61-72.
- Rohani, Zahra, H.A. Ghobadi, & S. Bozorg Bigdeli (2021), "A Comparative Analysis of the Subject, Words and Syntax of Prayers and Curses of *Shahnameh* (A Case Study of the Stories of Rostam & Esfandiar and Kamus Keshani)", *Journal of the Stylistics of Persian Poetry and Prose* (Bahar-e Adab), Vol. 14, No. 10 (S/N 68), pp. 117-131.
- Sadeghi, Ali-Ashraf (1987), "The Combination of Vowels and the Problem of Epenthetic Consonants in Farsi", *Iranian Journal of Linguistics*, Vol. 3, No. 2 (6), pp. 3-22.
- Sadeghi, Vahid & S. Sadeghi (2017), "Vowel Hiatus in Surani Kurdish", *Journal of Language Researches*, Vol. 8, No. 1, pp. 117-136.
- Vaziri, Abdollah (1985), *Shoushtari Persian*, Ahvaz, Vaziri.

